

وصال برقی

شَمَمْتُ رَوْحَ وَدَادٍ وَ شَمْتُ بَرْقَ وَصَالٍ

بیا که بوی تو را میرم ای نسیم شمال
آحادیاً بجمال الحبيب قف وانزل
که نیست صبر جمیلم ز اشتیاق جمال
حکایت شب هجران فرو گذاشته به
به شکر آنکه برافکنند پرده روز وصال

حافظ در مصرع اول این فال می‌فرماید شهر تهران بالاخره به وصال اتوبوس برقی رسید. حالا به بوهایی هم از اگزوز اتوبوس‌ها می‌آید که زیاد مهم نیست! در مصرع دوم می‌فرماید حالاییبید سوار شوید و از گرمای داخل لذت ببرید و ببینید گازوئیل چه کرده! نگران هم نباشید؛ نهایتاً یک نسیم و بادی از شمال خواهد وزید و آن دود و بوهای مصرع اول را با خودش می‌برد!

در بیت بعد می‌فرماید این همه صبر کردید، دیدید بالاخره اتوبوس‌های برقی رسید! همه‌شان هم خوشگل و خوش‌رکاب است و سوار و پیاده شدن هم راحت است! چون فناوری روز دنیا است! گازوئیل می‌ریزند داخل باکش که با برق راه برود! در بیت آخر جناب لسان‌الغیب می‌فرماید حالا که اتوبوس‌ها رسید تهران، آن حرف و حدیث‌هایی که درباره قیمت اتوبوس‌ها و محرمانه بودن قرارداد و شرکت ساختمانی چینی که این‌ها را وارد کرده است، فروگذارید و بی‌خیال شوید! خدا را شکر کنید همین‌ها با همین شکل و شمایل و کیفیت و فناوری آمده است که سوار شوید!



در حاشیه تعطیلی هرروزه کشور

دوره‌می مسئولان

فانیان: بچه‌های دولت! این چه طرزشه؟ چرا هر روز تعطیل می‌کنین؟ صدای نماینده‌ها هم درآمده، چی بگم بهشون؟

پرنسپال: کجا اعتراض کردن؟

توی مجلس دیگه.

غریب: خب مجلس رو هم تعطیل کن که اعتراض نکنن.

آموزش و تفریح: آقا ولی بیابین یک جلسه بذاریم، من نگاه کردم امسال بچه‌ها کلا یک ماه رفتن مدرسه.

وزیر کشور: جیبی یک ماه؟! من این همه تعطیل کردم، چه جوری یک ماه شده؟

نه این‌ها مال دماوند و فیروزکوه تهران که یک هفته هم نرفتن.

اوه اوه! کارشناسان پیام دادن که گاز خیلی کم داریم، باید بیشتر تعطیل کنیم، بچه‌ها دوشنبه جلسه بذاریم؟

قریان دوشنبه رو تعطیل کردیم، نمی‌شه جلسه گذاشت.

آقا خب چرا به کم سوخت ذخیره نکردین برای زمستونی؟ این چه وضعشه؟

وزیر نیرو: بابا خب تعطیل بودیم! کی ذخیره کنیم!؟

واقعا راهکاری برای این تعطیلات ندارین؟

وزیر کار: چرا بابا به بچه‌ها گفتیم برای تعطیلات عید کارمندان یک نروزی درست کنن، بی‌کار نباشن.

آقا عجب فکر خوبی! بگو کنارش خاطرات تعطیلات رو بنویسن و بفرستن، هرکسی بهتر نوشت، اداره‌ش رویک ماه بیشتر تعطیل کنیم.

مجلس چرا به شمارای اعتماد داد؟!!

صفحه ۲
۱۱ اسفند ۱۴۰۳
شماره ۱۳۱

هم‌دردی‌های به‌دردنخور

رضایت بخش‌ترین سکوت هفته:

وزیر آموزش و پرورش گفته است: «درباره وضعیت معیشتی معلمان صحبت نمی‌کنم.» اتفاقاً کار خوبی کردید. چون یا قول و وعده می‌دهید که تاریخ نشان داده است به آن‌ها عمل نمی‌شود، یا هم‌دردی می‌کنید که به هیچ دردی نمی‌خورد.

بدون شرح‌ترین خبر هفته:

مدیرعامل یک کارخانه روغن به شهرآرا گفته است: «با شرکت بازرگانی دولتی بر سر لرد (ناخالصی) روغن تحویلی اختلاف داشتیم. چون میزان لرد روغن بیشتر از حد است. این شرکت زیر بار نرفت و اعلام کرد که می‌توانید شکایت کنید، اما اگر چنین کاری انجام دهید، دیگر به واحد شما روغن نمی‌دهیم. ما شکایت کردیم و امسال دیگر به ما روغن ندادند.»

باورپذیرترین خبر هفته:

وزیر راه گفته است: «کارگران و مستأجران کم‌درآمد خانه‌دار می‌شوند.» پس باید خوش حال بود و به این هم توجه نکرد که تا حالا چند بار سر تأخیر و اریز همین یارانه ۳۰۰ هزار تومانی (کمتر از نصف

قیمت کیسه سیمان ۵۰ کیلویی) کلی به مردم استرس وارد کردند و بعد اعلام کردند به علت تأمین نشدن منابع مالی یارانه با تأخیر و اریز شده است.

تمشکی‌ترین و کمتر از واقع‌ترین

آمار هفته: وزیر ارشاد گفته است: «سرانه مطالعه ایرانی‌ها سیزده دقیقه است.» حس می‌کنیم اشتباه است. چون می‌رویم میوه فروشی و تا بلو قیمت‌هایش را مطالعه می‌کنیم و بعد که نمی‌توانیم بخریم، می‌رویم مطالعه تا بلو چندتا مغازه بعدی را شروع می‌کنیم. حیوانات همین‌طور، گوشت همین‌طور، سوپرمارکت همین‌طور! ضمناً همه قبض‌ها را هم چندبار می‌خوانیم تا بفهمیم چرا این قدر قبضمان سنگین آمده است. با این حساب، سرانه مطالعه کشور بسیار بیشتر از این حرف‌هاست!



توانی: برق‌مشترکان اداری که مصرف‌خورد

عجب جمله خوشگل و راستی

ز نیرو بود برق را کاستی!

وگر نه شود قطع، برقت سریع

اگر شد بدان که خودت خواستی!

سبزیجات را کور درآور، موارغی‌اش

به فکر سیب‌زمینی و پیازی؟

و یا در فکر قطع برق و گازی؟

ببر از یاد هر چه بوده تا حال

به سبزی‌ها رسیده ناترازی!



مهندسان در هندسه بیکاری

مهندسی تو، پی ضرب و جمع و برداری

رفیق خط‌کش و ماشین حساب و پرکاری

هزار مسئله را تابه حال حل کردی

به غیر مسئله ریشه‌دار بیکاری!

استاران دانشگاه علامه طباطبائی: در محاصره بحران‌ها هستیم

این سمت چاله چوله، آن سمت راه‌بندان

این سمت مشکل برق، آن سوی مشکل نان

«از هر طرف که رقتم جز وحشتم نیفزود»

ما را احاطه کرده، هر سو هزار بحران

